

جنایت غزه را افکار عمومی جهان صرفاً در قاب تصویرهای جانکاه و بی‌پایه‌های تند دیپلماتیک می‌بینند، اما این تمام ماجرا نیستست و در پس این تصاویر سسکوئی بر نسل‌کشی چپیره شده و تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی در لایه‌های پنهان تجارت جهانی و میان ردیف‌های سرد مالیاتی اداره گمرک رژیم صهیونیستی، به صورت هولناکی در جریان است. افشای داده‌های رسمی نشان می‌دهد که زنجیره تأمین ماشین جنگی این رژیم، نه فقط پس از بحران اکتبر ۲۰۲۳ و هشدارهای جهانی قطع نشدده، بلکه در پس لفاظی‌های پشردوستانه، با شدتی مضاعف به کار خود ادامه داده است. مواضع اخیر معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشورمان نیز بیش از پیش ذهن‌ها را درگیر این مهم می‌کند که دولت‌های صادرکننده کالا و خدمات نظامی، با تکیه بر چه قدرتی دستورات آمرانه دیوان لاهه و ماده یک کنوانسیون ۱۹۴۸ را نادیده می‌گیرند و از مرز «بی‌طرفی» عبور کرده و آگاهانه به قلمرو «مسئولیت کیفری بین‌المللی» قدم می‌گذارند.

■ ■ ■

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشورمان اخیراً در پیامی در رسانه اجتماعی ایکس یادآور شد: «یک گزارش تحقیقی مبتنی بر داده‌های رسمی اداره مالیات رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که از اکتبر ۲۰۲۳ تا اکتبر ۲۰۲۵، کالاهای مرتبط با امور نظامی از منشأ ده‌ها کشور وارد سرزمین‌های اشغالی شده است؛ بخش عمده ارزش این واردات نیز پس از دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری درباره غزه ثبت شده است. دولت‌هایی که پس از هشدار دیوان لاهه همچنان ماشین جنگی رژیم صهیونیستی را تغذیه کرده‌اند، باید نسبت خود را با مسئولیت بین‌المللی و تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی روشن کنند. برخی از این کشورها عند تبار از آمریکا، هند، رومانی، جمهوری چک، کره جنوبی، ویتنام، سنگاپور، جمهوری آذربایجان، هلند، سوئیس، ترکیه، برزیل، بلغارستان، اسپانیا، کانادا، فرانسه، ایتالیا، آلمان و انگلیس.» یعنی ۱۹ دولت شریک رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی غزه هستند. برای درک ابعاد حقوقی اظهارات کاظم غریب‌آبادی، ابتدا باید تقابل از چهره مفومی به نام «تعهد به پیشگیری» برداشت. این اساسی ماده یک کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (۱۹۴۸)، دولت‌های عضو صرفاً مکلف به خودداری از ارتکاب مستقیم جنایت نیستند، بلکه این معاهده بار حقوقی سنگین‌تری را تحت عنوان وظیفه‌فאלانه برای جلوگیری از وقوع جنایت از سوی دیگران، بر دوش آنها می‌گذارد. در ادبیات حقوق بین‌الملل، این تعهد از جنس «قواعد امره» و دارای خصصه «ارگا امنیه» است؛ «میزان نفوذ» و «اگاهی» آنهاست. دولتی که ابزار جنگی را فراهم می‌کند، در واقع «شریان

«فاکتورهای فروش» مأموریت «دیوان لاهه» را وتو می‌کنند!

نسل‌کشی ۲۰ دولت در غزه زیر سایه بی‌عملی لاهه

از اکتبر ۲۰۲۳ تا اکتبر ۲۰۲۵، کالاهای مرتبط با امور نظامی از منشأ ده‌ها کشور وارد سرزمین‌های اشغالی شده است



«حیات» جنایت را حفظ کرده است و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که غریب‌آبادی آن را «آزمون پایبندی به حقوق بین‌الملل» می‌نامد.

■ **نفاق مدعیان اروپایی و شرکای منطقه‌ای**
لیست کشورهای درگیر در این گزارش، نشت رسوایی تناقضات ساختاری در سیاست خارجی مدرن است. محور غربی متشکل از آمریکا، آلمان، انگلیس، هلند و کانادا است. این کشورها در حالی مدعی هستند که «نظم قانون‌محور» هستند که آمارها نشان می‌دهد صادرات قطعات حساس نظامی‌شان به سرزمین‌های اشغالی در اوج بیماران‌ها قطع شده است. آلمان به عنوان دومین تأمین‌کننده بزرگ، با استناد به «مسئولیت تاریخی»، عملاً تعهدات کنونی خود در قبال کنوانسیون ۱۹۴۸ را به مسلخ برده است. شرکای اقتصادی و نوظهور نیز شامل هند، کره جنوبی، سنگاپور و جمهوری آذربایجان هستند. برغم همین‌که کشورها در حوزه لجستیک و کالاهای «دو منظوره» (Dual-use) بسیار حیاتی است، تأمین سوخت یا مواد اولیه صنایع نظامی که در داده‌های مالیاتی رژیم صهیونیستی ثبت شده، نشان می‌دهد که ماشین جنگی این رژیم دارای سیستم تنفس جهانی است که از قضا بسیاری از گروه‌های آن در آسیا و قفقاز بسته شده است. مورد عجیب ترکیه است. حضور نام‌ترکیه در این لیست، به‌رغم مواضع بسیار تند سیاسی آنکارا علیه تل‌ویو، نشان‌دهنده شکاف عمیق میان

به راحتی قابل انکار نیستند. در فرآیند دادرسی بین‌المللی، این آمارها می‌توانند به عنوان «اماره قضایی» برای اثبات «نیت خاص» به کار روند. اگرچه اثبات نیت نسل‌کشی بسرای یک دولت دشوار است، اما تداوم بی‌وقفه تأمین سلاح پس از مشاهده آثار تخریبی و هشدارهای سازمان ملل، نشان‌دهنده نوعی «پذیرش و رضایت ضمنی» بر وقوع نتیجه است. در صورت سکوت مجامع بین‌الملل و ضابطین مربوطه، حقوقدانان بین‌المللی معتقدند که این لیست می‌تواند «زنجیره تأمین جنایت» را به گونه‌ای ترسیم کند که در آینده هر دولت منافع عامه، اخلاق و حقوق بشر را زیر پا بگذارد و برای منافع اقتصادی، بیچی از ماشین کشتار و نسل‌کشی را سفت کند.

■ **صلاحیت جهانی، ششاید کابوس جدید بروکرات‌ها**

محتوی منتشر شده از جانب غریب‌آبادی تنها مخاطب داخلی ندارد و پیامی فراتر از مرزهای ایران است. این داده‌ها سوخت لازم را برای سازمان‌های مردم‌نهاد و وکلای حقوق بشر در کشورهایی مثل اسپانیا، فرانسه و برزیل فراهم می‌کند تا با استناد به «صلاحیت جهانی»، علیه وزرای اقتصاد و دفاع خود شکایت کنند. همین حالا در هلند و انگلیس، پرونده‌هایی برای توقف صادرات قطعات F-۳۵ در جریان است. افشای اینکه صادرات پس از دستور ICJ نه تنها متوقف نشده، بلکه در برخی کدهای گمرکی افزایش یافته، می‌تواند منجر به صدور احکام بازداشت یا حداقل ابطال مجوزهای صادراتی شود. اینجاست که «شفافیت مالیاتی» می‌تواند تبدیل به نیروی در خدمت عدالت شود و به عدالت کیفری، ی‌گره بخورد.

■ **امروز باید پایان عصر بی‌هنزنگی باشد!**

غزه امروز، صرفاً یک نقطه جغرافیایی در محاصره نیست، بلکه آزمایشگاهی است که در آن تمام ادعای تمدنی غرب و شرق به چالش کشیده شده است. غزه می‌تواند خارج از مرزهای فلسطین در هر کجای جهان مجدداً تکرار شود، اگر چشمی حقوقی ناظر به خود نبیند. همان‌طور که معاون حقوقی وزارت امور خارجه تأکید کرده، تعهد به پیشگیری از نسل‌کشی نمی‌تواند و نباید تنها شئاری برای روزهای صلح باشد. داده‌های اداره مالیات رژیم صهیونیستی نیز هرگز با پیشانی‌های دولت‌های حاضر در این سیرت با هم گنجانست. تاریخ قضاوت خواهد کرد که در میانه فریادهای استمداد در بیمارستان‌های «سویال ارتکاب جرم» هستند. این معاونت، فراتر از یک سرزنش اخلاقی، می‌تواند در آینده‌ای نزدیک موضوع دعاوی جبران خسارت در محاکم داخلی و بین‌المللی باشد، چراکه ناشی از تحطی و ترک فعل آگاهانه صورت پذیرفته است.

■ **اعتبار قضایی داده‌های مالیاتی در لاهه**

بر خلاف بی‌پایه‌های سیاسی، داده‌های مالیاتی و گمرکی «داده‌های سخت» محسوب می‌شوند که

داشته باشد. در سطح نظری، این بحث نیز مطرح شده است که عرف بین‌المللی در صورت پذیرش گسترده می‌تواند مبنای شکل‌گیری قاعده حقوقی قرار گیرد. در همین راستا، برخی دیدگاه‌ها بر این اصل تأکید دارند که عرف پذیرفته‌شده در روابط بین‌المللی می‌تواند زمینه مشروعیت حقوقی اقدامات مشابه را فراهم کند.

■ **پیوند امنیت منطقه‌ای با راهکارهای حقوقی**

امنیت تنگه هرمز دیگر صرفاً یک موضوع نظامی یا ژئوپلیتیک نیست، بلکه به یک مسئله چندلایه حقوقی، اقتصادی و امنیتی تبدیل شده است. تغییر در قواعد عبور یا افزایش حضور نظامی خارجی، می‌تواند توازن شکننده موجود را دچار اختلال کند و پیامدهای گسترده‌ای بر بازار انرژی جهانی داشته باشد. در این میان، تأکید بر نقش دولت‌های ساحلی در تأمین امنیت منطقه‌ای به عنوان یک اصل اساسی مطرح شده است. این رویکرد بر این مبنا استوار است که مدیریت بومی و منطقه‌ای می‌تواند نسبت به الگوهای مداخله خارجی، ثبات بیشتری ایجاد کند. همچنین تقویت سازوکارهای نظارتی و ارتباطی میان کشورهای ساحلی، به عنوان یکی از ابزارهای کاهش تنش مورد توجه قرار گرفته است.

این اختیاری در بسیاری از مناطق جهان از جمله کانال‌ها و گذرگاه‌های بین‌المللی به شکل‌های مختلف اعمال شده است. در همین چارچوب، بحث درباره امکان دریافت حق خدمات از عبور کشتی‌ها در تنگه راهبردی هرمز مطرح است. استدلال اصلی در این زمینه بر این مبنا استوار است که اعمال حاکمیت سرزمینی می‌تواند شامل وضع هزینه‌های عبور در قبال خدمات امنیتی و نظارتی باشد. این دیدگاه، اخذ هزینه را در مرز ابزارهای مشروع مدیریت ترافیک دریایی قرار می‌دهد. برخی تحلیل‌های حقوقی بر این نکته تأکید دارند که عرف بین‌المللی در بسیاری از گذرگاه‌های آبی، دریافت هزینه عبور را به رسمیت شناخته است. بر این اساس، چنین اقدامی در انطباق با قواعد حقوق بین‌الملل است و می‌تواند در چارچوب مشروعیت حقوقی قرار گیرد. این موضوع به ویژه زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که دولت ساحلی مسئولیت مستقیم در تأمین امنیت مسیر عبوری را بر عهده

تجاوز خارج از قواعد بین‌المللی دشمن امریکایی- صهیونی علیه کشورمان، تعریف چارچوب جدید برای مدیریت تنگه هرمز را ضروری کرده است. از همین رو شیوه تأمین امنیت کشتیرانی در این تنگه راهبردی در سطح حقوقی و سیاسی برجسته شده است. از آنجا که تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان، همواره در معرض رقابت‌های ژئوپلیتیک قرار دارد، تغییر در قواعد عبور از آن، آثار مستقیم بر امنیت بین‌المللی خواهد گذاشت و این منظر ابعاد حقوقی تعریف چارچوب بر آن ضروری است.

بدیهی است موضوع صرفاً به عبور کشتی‌ها محدود نمی‌ماند، بلکه به مسئله حاکمیت دولت ساحلی، بنیادهای حقوقی بین‌الملل دریاها و امکان اعمال ضمانت اجرا در برابر اقدامات ناقض صلح و امنیت بین‌المللی گره خورده است. در این چارچوب، طرح برخی ابتکارات با عنوان کمک انسانی یا حمایت از کشتیرانی، محل تأمل جدی است.

■ **بازتعریف حقوقی وضعیت امنیتی**

در تنگه هرمز

موقعیت حقوقی تنگه هرمز بر اساس قواعد حقوق دریاها و روبه‌های عرفی بین‌المللی، ترکیبی از حق عبور و اختیارات دولت ساحلی را شامل می‌شود. در نگاه دولت‌های ساحلی، اصل حاکمیت سرزمینی بر آب‌های داخلی و دریای سرزمینی، مبنای اصلی تنظیم عبور و مرور دریایی محسوب می‌شود. بر همین اساس، عبور باید در چارچوب عدم اختلال در امنیت، نظم و منافع مشروع کشور ساحلی انجام شود. در مقابل، برخی بازیگران بین‌المللی تلاش دارند مفهوم «عبور ترانزیتی» را به عنوان یک قاعده عام و الزام‌آور معرفی کنند. این برداشت، در حالی مطرح می‌شود که پذیرش آن در سطح جهانی یکسان نبوده و اختلافات جدی میان دولت‌ها در سراسر ماهیت حقوقی آن وجود دارد. در این میان، اصل «عبور بی‌ضرر» به عنوان یک قاعده شناخته‌شده‌تر در حقوق عرفی، مبنای استدلال بسیاری از دولت‌های ساحلی قرار گرفته است. بر همین اساس، هرگونه اقدام نظامی برای عبور کشتی‌ها می‌تواند ماهیت حقوقی عبور را دگرگون سازد و آن را از حق عبور تجاری عادی به یک وضعیت امنیتی تبدیل کند. چنین تغییری

حتماً برات سوال شده که

«اسکرین‌شات» ادله موجه در پرونده‌های قضایی است؟

عصر دیجیتال، بخش جدیدی از نحوه زندگی را رقم زده است. به طوری که گوشی‌های هوشمند ما به صندوقچه‌ای از اسرار، توافقات و البته اختلافات تبدیل شده‌اند و حجم بالایی از مکالمات را در خود دارند. پیام‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی رد و بدل می‌شوند، گاهی فقط ادله و استناد ما برای اثبات یک حق یا فاش کردن یک حقیقت به شمار می‌آیند. اما مهم است بدانیم که یک «عکس از صفحه گوشی» یا همان اسکرین‌شات معروف، می‌تواند مورد پذیرش دادگاه واقع شود یا برعکس می‌تواند کلام ما بر ضد ما استفاده شود؟ فارغ از اینکه در چه شرایط و احوالی آن مکالمه جاری شده است، شاید شنیده باشید که شخصی با یک اسکرین‌شات توانست حشش را بگیرد یا دیگری به خاطر انتشار یک چت خصوصی، سر از بازداشته‌گاه درآورد. واقعیت این است که در نظام حقوقی ما، بر خورد با «داده‌پیام‌ها» قواعد خاص خود دارد که ندانستن آنها می‌تواند یک فرد ذی‌حق را به یک مجرم تبدیل کند.

«اعتبار قانونی یک اقرار

پُر شمارترین پرسشی که خیلی از مراجعین از وکلای خود در مواجهه با اختلافات حقوقی می‌پرسند این است: «یا قاضی اسکرین‌شات من را قبول می‌کند؟» برای پاسخ به این سؤال باید به «قانون تجارت الکترونیک» مصوب ۱۳۸۲ رجوع کرد. طبق این قانون، «داده‌پیام» (هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم که با وسایل الکترونیکی تولید یا ذخیره شده باشد)، تحت ششرایطی می‌تواند به عنوان دلیل در دادگاه ارائه شود. اما نکته ظریف حقوقی اینجاست که اسکرین‌شات به تنهایی «سند قطعی» محسوب نمی‌شود، یعنی ادله نیست. در ادبیات حقوقی به این گونه مدارک «اماره قضایی» می‌گویند؛ اماره یعنی نشانه‌ای که به قاضی کمک می‌کند تا با علم و یقین برسد. به زبان ساده‌تر، اسکرین‌شات مثل یک قطعه از پازل است که برای آنکه تصویر را برای قاضی شفاف کنید نیاز دارد سایر قطعات نیز کنار آن قرار بگیرند؛ اگر قطعات دیگر (مثل شهادت شهود، اقرار طرف مقابل یا گزارش کارشناسی) در کنارش باشند، می‌تواند سرنوشت پرونده را به نفع شما تغییر دهد.

«چالش اصالت اسکرین‌شات در تقابل با فتوشاپ و هوش مصنوعی

چرا قضات به راحتی به اسکرین‌شات‌ها اعتماد نمی‌کند و آنها را اقرار صریح و ادله نمی‌داند؟ پاسخ روشن است، چون امکان جعل وجود دارد. به طوری که امروزه با نرم‌افزارهای مختلف می‌توان چت‌های جعلی ساخت که اگر واقف و مسلط بر ابزار فتوشاپ نباشید، متوجه جعلی بودن آنها نمی‌شوید. به همین دلیل، اگر طرف مقابل متکر اصالت اسکرین‌شات شود و ادعا کند که تصویر دست‌کاری شده یا جعلی است، دادگاه موضوع را به کارشناسان حوزه فناوری یا پلیس فتا ارجاع می‌دهد و کارشناسان مسلط بر این امر با بررسی فنی دستگاه صادرکننده و گیرنده، تلاش می‌کنند اصالت پیام را تأیید کنند. در این بین مهم است که اگر قصد دارید از پیام‌هایتان در دادگاه استفاده کنید، هرگز چت‌ها را پاک نسازید. اسکرین‌شات به تنهایی آسیب‌پذیر است، اما وجود پیام اصلی در سرور ایلکترونیک یا حافظه گوشی، قدرت اثباتی آن را چند برابر می‌کند.

«تغیخ دو لبه اسکرین‌شات؛ از احقاق حق تا هتک حیثیت

بسیاری از مردم تصور می‌کنند چون طرف مقابل در چت خصوصی به آنها توهین کرده یا زاری را فاش کرده، آنها مجازند اسکرین‌شات آن را در گروه‌های خانوادگی یا فضای مجازی منتشر کنند تا «حقانیت» خود را ثابت کنند. اینجاست که قانون با واقعیت وارد می‌شود. طبق ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای، انتشار صوت، تصویر یا اسرار خصوصی دیگران بدون رضایت آنها، به‌نحوی که منجر به ضرر یا هتک حیثیت شود، جرم است. مجازات این کار می‌تواند حبس از ۹۱ روز تا دو سال، یا جزای نقدی، یا هر دو باشد. قانون‌گذار به خوبی می‌داند که مرز حریم خصوصی، خط قرمز جامعه است. حتی اگر فردی



در چت خصوصی به شما بدکار باشد، شما حق ندارید برای تحت فشار گذاشتن او، اسکرین‌شات چت‌های شخصی‌اش را عمومی کنید. این بخش تحت عنوان افشا شناخته می‌شود.

«تهدید یا اسکرین‌شات جرم است

عبارت «اسکرین‌شاتش رو دارم، آب‌روت رو می‌برم» یکی از پُر تکرارترین جملاتی است که این روزها در پرونده‌های اخاذی و تهدید شنیده می‌شود. باید بدانید که «تهدید به افشای اسرار» به قصد اخاذی یا مجبور کردن فرد به انجام کاری، خودش یک جرم مستقل و سنگین است. قاضی در برخورد با کسی که دیگری را به انتشار پیام‌های خصوصی تهدید می‌کند، بسیار سخت‌گیر است. در واقع، کسی که اسکرین‌شات دارد و از آن به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کند، از نگاه قانون نه یک فرد در جست‌وجوی حق، بلکه یک «متهدد» (تهدید کننده) شناخته می‌شود که مستحق مجازات است. راه درست این است که اسکرین‌شات را فقط و فقط به مقام قضایی در پوشه پرونده ارائه دهید، نه اینکه آن را در فضای مجازی به نمایش بگذارید.

«چگونه از اسکرین‌شات درست استفاده کنیم؟

اگر در موقعیتی قرار گرفتید که پیام‌های تلگرامی، واتساپی یا پیامکی شما تنها مدرکتان است، این گام‌ها را به یاد داشته باشید:

۱. حفظ پیام اصلی: تا حد امکان پیام‌ها را در اپلیکیشن پاک نکنید (Archive).
۲. مستندسازی رسمی: اگر پیام بسیار حیاتی است، می‌توانید از طریق مراجع قانونی (مانند تأمین دلیل) نسبت به ثبت و گواهی شدن محتوای پیام از سوی مأمور رسمی اقدام کنید.
۳. عدم انتشار عمومی: اسکرین‌شات را به هیچ‌کس جز وکیل خود یا قاضی پرونده نشان ندهید. انتشار آن برای دوستان یا در گروه‌ها، می‌تواند علیه خودتان پرونده کیفری ایجاد کند.

«داده‌های شما الزاماً به سود شما نیست

در نهایت باید گفت که اسکرین‌شات‌ها، آیینته‌های تمام‌نامی رفتارهای ما در دنیای مجازی هستند. آنها می‌توانند فرشته‌نجات باشند اگر در مسیر قانونی به کار گرفته شوند و می‌توانند برای جان باشند اگر از سر خش و برای انتقام‌جویی منتشر شوند. قانون برای محافظت از حقوق ما وضع شده است، اما راه استفاده از آن، از مسیر رعایت اخلاق و حریم خصوصی می‌گذرد. فراموش نکنیم که در دادگاه، عدالت بر پایه «دلیل مشروع» بنا می‌شود، نه لزوماً «دلیل موجود.»